

جایگاه دیپلماسی عمومی در رقابت جدید ایالات متحده ی آمریکا و فدراسیون روسیه (باز تولید جنگ سرد در عرصه ی دیپلماسی عمومی)

عباسقلی عسگریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۹

چکیده

دیپلماسی عمومی ابزار «قدرت نرم» است. این واقعیت مدت‌ها پیش مطرح بوده و در سال‌های اخیر در عملکرد کشورها نمود عینی داشته‌است. آمریکا و روسیه دو کشور قدرتمند، سابقه رقابت با یکدیگر دارند. روسیه در سال‌های اخیر به دلیل ضعف قوای نظامی و اقتصادی نسبت به رقیب، رقابت خود را در دیپلماسی عمومی قرار داده که علی‌رغم فراهم بودن زمینه‌هایی از قبیل زبان مشترک و شناخت فرهنگ یک دیگر در رقابت با آمریکا دچار چالش‌هایی است. در این مقاله تلاش خواهد شد تا به پرسش «دیپلماسی عمومی چه جایگاهی در سیاست خارجی متقابل دو کشور داشته است، چگونه و در چه حوزه‌هایی مورداستفاده قرار گرفته‌است» پاسخ داده شود. پاسخ احتمالی به این پرسش این است که هر دو کشور به کارکردهای دیپلماسی عمومی در دنیای امروز واقفند اما به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر، روسیه پیروزی زیادی در حوزه ی دیپلماسی عمومی نداشته است. یکی از موانع مهم در پیش برد «دیپلماسی عمومی» در روسیه، ذهنیت هم‌چنان «سخت‌انگار» دولت مردان کرملین است. از دیگر سو آمریکا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازی‌گران سیاسی عرصه ی نظام بین‌الملل همواره از ابزارهای گوناگون برای انتقال پیام خود به مردم و سایر دولت‌ها استفاده و توفیقات بیشتری کسب کرده‌است. این جستار به‌روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و الکترونیکی انجام شده است.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، ایالات‌متحده آمریکا، دیپلماسی عمومی، فدراسیون روسیه، قدرت نرم.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه abbas110as@yahoo.com

مقدمه

تا زمانی که سیاست‌مداران به ارزش‌های معین و الگوهای رفتاری پایبند باشند، سیاست^۱ بخشی از «فرهنگ»^۲ است، در واقع فرهنگ بدون قید و شرط بر سیاست تأثیر مستقیم دارد (Володина, 2008: 6) و از آن جا که حکومت، حاکمیت، اختیارات، قدرت و... جملگی از اجزاء سیاست است و در همه‌ی سیستم‌های سیاسی کشورها وجود دارند، پس روابط بین آن‌ها، همگی از فرهنگی تأثیر می‌پذیرند که بر کشور حاکم است. بر پایه این استدلال باید بین مدل حاکمیت در یک کشور آسیایی با مدل حاکمیت در یک کشور اروپایی تفاوت قائل شد. پس شناخت فرهنگ کشورها راه را برای شناخت ویژگی‌های سیاسی حکومت‌ها و دولت‌ها همواره می‌کند. در حقیقت، ارزش‌هایی مانند حاکمیت و مالکیت، حاکمیت و شخصیت، حاکمیت و قداست مذهبی و اخلاق که در بستر فرهنگ جامعه جریان دارد، بدون شناخت آن‌ها نمی‌توان جریان مبسوط سیاسی درون حکومت‌ها را فهمید (Володина, 2008: 6). باید اذعان کرد که نمی‌توان به آسانی اهمیت فرهنگ را در دیپلماسی، علی‌الخصوص دیپلماسی عمومی^۳ به‌عنوان بخشی از ابزارها و شیوه‌های اعمال قدرت نرم^۴ نادیده گرفت.

بنابراین، تأثیر بر حکومت‌ها، مستلزم تأثیرگذاری فرهنگی بر جامعه هدف است؛ بر این مبناست که موضوع تأثیر فرهنگی به‌عنوان جزئی از قدرت نرم معنا و مفهوم پیدا می‌کند. به‌ویژه آن‌که در شرایط جهانی شدن^۵، ارزش‌های ذاتی فرهنگ ملل در سیاست خارجی کشورها، در حال افزایش است. از همین رو مفهوم جدیدی بنام «فرهنگ سیاست خارجی»^۶ به وجود آمده و عرصه‌ی فرهنگی، زمینه‌ی نبرد واقعی دولت‌هایی شده است که

1- Politics

2- Culture

3- Public Diplomacy

4- Soft Power

5- Globalization

6- Foreign Policy Culture

علاقه‌مندند تا سلطه‌ی^۱ خود را در جهان و بر دولت‌های دیگر برقرار کنند یا از این طریق به دنبال حفظ و توسعه هژمونی خود باشند.

پرسش اصلی پژوهش این است که «دیپلماسی عمومی چه جایگاهی در سیاست خارجی متقابل دو کشور داشته و چگونه مورد استفاده قرار گرفته است؟» پاسخ احتمالی به این پرسش این است که هر دو کشور به کارکردهای دیپلماسی عمومی در دنیای امروز واقف هستند. روس‌ها تمرکز بر زبان، ادبیات، مذهب و رسانه را در جهت گسترش دامنه قدرت نرم و نیز مقابله با تهاجمات نرم رقیب دیرینه خود، در دستور کار قرار داده‌اند اما به رغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر، روسیه توفیق چندان زیادی در حوزه دیپلماسی عمومی نداشته است. یکی از موانع مهم در پیش برد «دیپلماسی عمومی» و قدرت نرم روسیه، ذهنیت هم‌چنان «سخت‌انگار» دولت مردان کرملین است. از دیگر سو آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین بازی‌گران سیاسی عرصه‌ی نظام بین‌الملل همواره از ابزارهای گوناگون برای انتقال پیام خود به مردم و سایر دولت‌ها استفاده و پیروزی‌های بیشتری کسب کرده است. روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است.

چهارچوب نظری پژوهش؛ مفاهیم و کارکردها

مفهوم قدرت نرم

قدرت دو وجهی نفوذ^۲ و زور^۳ دارد؛ وجهی نفوذ، بیشتر جنبه‌ی ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها سعی می‌کنند با اعمال نفوذ بر دیگران، قدرت خود را به‌کارگیرند و اراده‌ی خود را تحقق بخشند. وجهی زور بیشتر جنبه‌ی عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است که معمولاً دولت‌ها در مراحل بعدی و در صورت مؤثر واقع نشدن وجهی نفوذ به کار می‌گیرند (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳). در مقابل شکل سخت قدرت، از قدرت نرم و

1- Hegemony
2- Influence
3- Coercion

«قدرت هوشمند» و مرکب نیز می‌توان سخن گفت. قدرت هوشمند به حاصل جمع و سنتز قدرت سخت و نرم اطلاق می‌شود (نای، ۱۳۸۷، ۲۹).

جوزف نای کسی بود که مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار مورد استفاده قرارداد (پور سعید، ۱۳۸۹: ۳۵) و مدعی شد که اگر امریکا تنها دو درصد از مبلغ ناخالص داخلی خود را به برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا دهد و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات موردنظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از قدرت سخت دست می‌یابد که به آن قدرت نرم می‌گوییم. از نظر جوزف نای اگر قدرت را کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل تعریف کنیم، قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌هاست، به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های سیاسی و نهادی، مرتبط و هم سو باشد یا این که سیاست‌های قابل قبول با اعتبار معنوی را پدید آورد (نای، ۱۳۸۷: ۷۹).

آن چه از محتوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه برمی‌آید، این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی^۲ مثبت، ارائه‌ی چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضا بر دیگران، اداره‌ی دیگران را تابع خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است (رفیع و قربی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) و یا هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری موردنظر حاکم تعارض دارد (نائینی، ۱۳۸۹: ۶-۵). از این رو قدرت نرم غیرمستقیم اعمال می‌شود؛ بیشتر جنبه‌ی تشویقی دارد؛ و هزینه اعمال سیاست خارجی را فوق‌العاده کاهش می‌دهد (نصری، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۵).

قدرت نرم دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر انواع قدرت متمایز می‌کند:

۱. قدرت نرم فراگیر است. قدرت نرم خود یک ظرفیت وسیع برای بسط و رقابت دارد. همراه با جریان فزاینده‌ی انقلاب اطلاعات و توسعه‌ی فرهنگ اینترنتی، قدرت نرم به ورای محدودیت‌های مرزهای جغرافیایی، قومیت ملی و زمان و فضا راه پیدا می‌کند. این پدیده با تقویت پیشرفت جامعه، به طرز شگفت‌آوری بر سبک زندگی و استانداردهای رفتاری انسان‌ها تأثیر می‌گذارد؛

۲. قدرت نرم تغییرپذیر است. قدرت نرم فرایندی پویاست. این پدیده یک سیستم متغیر عظیم است که در آن شکل و تحول قدرت به حرکت متباین مؤلفه‌های متفاوت بستگی دارد و دوره‌ی زمانی کوتاه‌تری را جهت به هنگام سازی و تغییر خود طلب می‌کند؛

۳. قدرت نرم اقناعی است. قدرت نرم، بر توانایی ارائه دستور کار از رهگذر هنجارها و نهادهایی که ترجیحات دیگران را شکل می‌دهد، استوار است. از این رو، قدرت نرم به‌طور گسترده، متکی بر قدرت اقناع و جاذبه است (باقری، ۱۳۸۷، ۲۱۸-۲۱۷)؛

۴. تهدید حاصل از قدرت نرم درازمدت است: تهدید قدرت نرم، گاهی طی سالیان متمادی به کار گرفته می‌شود اما تأثیرات خارجی ناشی از آن پس از مدت‌ها ظهور پیدا می‌کند؛

۵. قدرت نرم از جنس فرهنگ است: قدرت نرم بر حوزه‌ی فرهنگی بیش از سایر ابعاد مدنظر تأثیرگذار است و به همین دلیل نیز این نوع قدرت، اغلب بر هویت هنجاری تأثیرگذار است و از آن جا که این نوع تأثیرات از قابلیت لازم برای اندازه‌گیری دقیق برخوردار نیستند، لذا بُعد فرهنگی در این نوع از قدرت نمود بارز دارد.

دیپلماسی عمومی^۱

دیپلماسی عمومی روی کرد جدیدی است که در قرن ۲۱ میلادی در سیاست خارجی کشورها طراحی و اجرا می‌شود. قدرت‌های بزرگ با استفاده از این شیوه توانسته‌اند، تأثیر

چشم‌گیری بر جوامع بشری برجای گذارند. دیپلماسی هنر و فن اداره‌ی سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز تعریف می‌شود. اقناع مهم‌ترین ابزار و دستاورد دیپلماسی است (طلوعی، ۱۳۸۵، ۷۱).

تقلیل حاکمیت دولت‌ها، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، وجود بازی گران و سازمان‌های غیردولتی و گسترش آگاهی‌های مردم در سطح جهانی باعث ایجاد تحول در مفهوم دیپلماسی سنتی و متعارف شده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه دولت‌ها علاوه بر تلاش‌های رسمی و قانونی خود در راستای اثرگذاری بر مقامات رسمی کشورهای دیگر و سیاست‌های آن‌ها، اقدامات گسترده و برنامه‌ریزی‌های هدفمندی را در جهت ایجاد تفکرات، گرایش‌ها و رفتارهای موردنظر خود در بین ملت‌ها و کشورهای دیگر سازماندهی و اجرا می‌کنند تا از این طریق نیز منافع ملی و اهداف فرامرزی خود را تحقق بخشند (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۸۸، ۹)؛ بنابراین اختلاف آشکار دیپلماسی سنتی و دیپلماسی عمومی در این امر که دیپلماسی سنتی به روابط میان نمایندگان دولت‌ها می‌پردازد اما دیپلماسی عمومی عامه مردم و به‌طور خاص گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد غیررسمی در جوامع بیگانه را موردتوجه قرار می‌دهد (Абрамова, 2011:58). به لحاظ سنتی، همواره گفته می‌شود که در سیاست بین‌الملل بازی گری پیروز خواهد بود که ارتش او پیروز شود درحالی‌که در دنیای امروز هرچند پیروزی نظامی اهمیت دارد اما این‌که روایت و داستان کدام طرف غالب شود، بسیار مهم‌تر است؛ بنابراین میزان اعتباری که به عمل داده می‌شود و راه‌هایی که می‌توان در توجیه عمل به کار بست، بسیار مهم هستند. این امر تا حد زیادی به توانایی اجراکننده و برنامه‌ریز و این‌که چگونه بتواند آن عمل را معتبر یا بی‌اعتبار نشان دهد، مربوط می‌شود (Барт, 1989:616).

میان کشورهای مختلف اهمیت دیپلماسی عمومی به عنوان عاملی مهم در اجرای سیاست‌های مبتنی بر قدرت نرم افزایش یافته و این گونه دیپلماسی را در نظام جهانی به صحنه مبارزه آن‌ها با یک دیگر تبدیل کرده است. در این مبارزه آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز رودرروی هم قرار گرفته بودند. هرچند پس از تجزیه شوروی، دولت مردان فدراسیون روسیه بارها بر این موضوع که جنگ سرد و رقابت به تاریخ پیوسته و دیگر به هیچ وجه روسیه به عنوان وارث اتحاد شوروی به دوران رقابت و جنگ سرد باز نخواهد گشت، تأکید کرده‌اند، با این وجود به نظر می‌رسد این کشور شاید ناخواسته به عرصه‌ای ورود کرده‌اند که خاطرات دوران جنگ سرد را در هیأتی جدید بازتولید کرده است.

رقابت آمریکا و روسیه در عرصه دیپلماسی عمومی

باید اذعان کرد که رهبران روسیه در پس ذهنشان هنوز آمریکا را بزرگ‌ترین خطر برای امنیت ملی خود تلقی می‌کنند. دولت آمریکا به نوبه خود با ابزارهای دموکراسی و حقوق بشر منتقد دولت روسیه بوده است و با استفاده از این اهرم‌ها همواره از گروه‌های گروه مخالف داخلی و منتقد دولت حمایت می‌کند. ضمن این‌که باید توجه داشت جنس سرمایه‌گذاری‌های آمریکا برای نفوذ در روسیه و حوزه امنیتی آن بیش از گذشته وسیع‌تر و گسترده‌تر شده است؛ زیرا از یک سو امروز آمریکا توأمان علاوه بر کاربرد ابزارهای شیوه‌های سخت‌افزاری مانند ابزارهای اقتصادی (سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی تولیدی زیربنایی در روسیه و اطراف آن)، نظامی (لشکرکشی به افغانستان، عراق و ایجاد تغییرات ساختاری و حکومتی در کشورهایی که روزگاری همسو و هم‌پیمان با روسیه بودند)، به کارگیری قوهی قهریه در مناطق مختلف جهان مخصوصاً در برابر کشورهای نزدیک و هم‌پیمان روسیه (کوزوو، سرنگونی حکومت صربستان، حمایت از برخی گروه‌های مسلح مخالف دولت بشار اسد و...) دولت فدراسیون روسیه را در داخل و مناطق

حوزه نفوذش به چالش کشیده و از سوی دیگر با اهرم‌های متنوع دیپلماسی عمومی به- عنوان ابراز قدرت نرم جهت کاستن توان منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه گام‌های مؤثری برداشته است (Базен, 1972:384).

ابزارهای قدرت نرم آمریکا در عمق جبهه‌ی روسیه

از دوران وجود دو ابرقدرت جهانی شرق و غرب، آمریکا به موازات به‌کارگیری سخت‌افزار در جنگ سرد نه تنها از قدرت نرم با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی تأثیرگذار بر جوامع بلوک شرق استفاده می‌کرده است بلکه عرصه‌ی فرهنگی را زمینه‌ی واقعی نبرد محسوب می‌کرد و اکنون نیز دولت آمریکا از این اهرم بیش از گذشته در مواجهه با روسیه استفاده می‌کند زیرا استفاده از قدرت نرم از جمله در تأثیر دیپلماسی فرهنگی منجر به تغییر ارزش‌های فرهنگی موجود در روسیه می‌شود و با تغییر ذائقه‌ی فرهنگی می‌توان فرهنگ خارجی و وارداتی را جایگزین فرهنگ بومی کرد. در ادامه به برخی ابزارهای عمده‌ی فرهنگی قدرت نرم آمریکا در اتحاد شوروی و پس‌از آن در فدراسیون روسیه می‌پردازیم. ایالات متحده از این ره‌گذر منافع خود را که در رأس آن‌ها مهار قدرت فدراسیون روسیه در محیط پیرامونی است، پی‌گیری می‌کند. آمریکا فعالیت‌های خود در روسیه را در محورهای زیر دنبال می‌کند:

۱) سازمان‌های مردم‌نهاد^۱. در دنیای امروز دولت‌های تأثیرگذار در نظام اجتماعی بین‌الملل اهدافشان را غیرمستقیم و به‌واسطه‌ی بنیادها، نهادها یا مؤسسات این‌چنین که به «سازمان‌های مردم‌نهاد» شهرت یافته‌اند، در بطن جوامع بشری و از طریق جوامع بر نظام‌های سیاسی تعقیب می‌کنند. این سازمان‌ها علی‌رغم این‌که دولتی نیستند اما مکانیزم نفوذ و تأثیرگذاری سیاسی، فرهنگی کشوری را در سایر کشورها تسهیل می‌کنند. یکی از

1- Non-Governmental Organization (NGO)

شیوه‌های بنیادهای غربی از جمله آمریکائی که در این مسیر حرکت دارند «استعدادیابی» است. در این روش منابع آموزشی را برای اقشار مختلف جوامع خودی و غیرخودی، داخلی و خارجی، تهیه و به مرحله اجرا درمی‌آورند. بنیاد هریتیج^۱ یکی از متولیان امور تحقیقات و برنامه‌ریزی آمریکائی است که از دوران اتحاد شوروی در این بخش فعالیت داشته و هم‌چنان فعالیت‌هایش معطوف به جامعه‌ی روسیه و کشورهای پیرامون آن است و به‌عنوان نهادی که در جهت اهداف دیپلماسی عمومی ایالات‌متحده فعالیت می‌کند، برنامه‌ریزی‌های خود را در این راستا سازمانده کرده است (Базен, 1972:384)؛

۲) گسترش وبلاگ نویسی. بنیاد هریتیج در مقاله‌ای به بحث چگونگی گسترش دیپلماسی عمومی ایالات‌متحده در جهان پرداخته است و می‌نویسد: «در موسسه صلح آمریکا^۲ بحث و گفتگوهای زیادی در باب تأثیرات اجتماعی رسانه‌ها، از جمله وبلاگ نویسی در روسیه شده است. همین‌طور پروژه‌ای در مرکز تحقیقاتی «برکمن»^۳ از دانشگاه هاروارد، یک مرکز تحقیقاتی در مورد نقش اینترنت در جامعه روسیه به اجرا درآمد که شامل تجزیه و تحلیل بیش از ۱۱ هزار وبلاگ روسی برای شناسایی افراد و چگونگی تحلیل آنها از مباحث سیاسی بود. از دیگر اهداف این مطالعه بررسی تأثیر وبلاگ‌ها در تحرکات اجتماعی بوده است» (Ibid).

مطالعات دیگری نیز توسط موسسه صلح آمریکا در مورد رسانه‌های جدید مانند وبلاگ‌ها، تویتر^۴ و یوتیوب^۵ انجام شده بود که حاکی از تأثیر آنها بر سازمان‌های سیاسی روسیه بوده است. طبق تحلیل مرکز برکمن، دو دسته گفتمان سیاسی در درون روسیه قابل شناسایی است که عبارت‌اند از: گروه مخالف دموکراتیک و ملی. علی‌رغم دیدگاه‌های مستحکم هر یک از این گروه‌ها، وابستگی آنها به منابع یکسان بیشتر از گروه‌های لیبرال و

1- Heritage Foundation

2- United States Institute Of Peace (USIP)

3- Berkman Center For Internet & Society (BCIS)

4- Twitter

5- YouTube

محافظه‌کار در آمریکا است که به‌نوبه خود باعث تضاد سیاسی کمتر در میان وبلاگ نویسان در روسیه نسبت به آمریکا است. بر اساس این پژوهش شواهد حاکی از تأثیر وبلاگ‌ها در تحرکات سیاسی و اجتماعی در روسیه است. طبق مطالعات مرکز برکمن، اگرچه بیشتر وبلاگ نویسان روسی از اخبار منابع بین‌المللی و مستقل استفاده می‌کنند اما اکثریت قریب به اتفاق مردم روسیه هنوز هم کانال‌های تلویزیونی تحت کنترل دولت فدرال را برای دریافت اخبار مورد استفاده قرار می‌دهند البته بخش عمده‌ای از مردم جهان هنوز هم به اخبار رسانه‌های سنتی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها اهمیت بیشتری می‌دهند؛

۳) پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی. دیپلماسی عمومی آمریکا نقش مهمی

در پایان بخشیدن به جنگ سرد و فروپاشی شوروی ایفا کرد. طی دوران ریاست جمهوری ریگان، از طریق رادیو اروپای آزاد / رادیو آزادی^۱، صدای آمریکا^۲، بی‌بی‌سی^۳ و دیگر کانال‌های رادیو و تلویزیونی غربی به بیشترین میزان نفوذ خود در پس پرده آهنین^۴ دست یافت. طی کودتای ناموفق شوروی در آگوست سال ۱۹۹۱ که اخبار رادیو آزادی به زبان روسی عمدتاً به‌عنوان تنها منبع اطلاعاتی قابل اطمینان در نظر گرفته می‌شد، برنامه‌های رادیویی نقش مهمی ایفا کردند. یلتسین^۵ بعدها به اهمیت کمک‌های این رادیو در جریان فروپاشی شوروی اذعان کرد (Грамота, 2012: 94). اکنون پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی غربی در روسیه با دشواری مواجه شده است، هلدینگ^۶ های غربی در زمینه‌ی رادیو و تلویزیون در روسیه، فعالیت آن‌چنانی ندارند، کانال بی‌بی‌سی در لندن به زبان روسی پخش می‌شود ولی در مسکو شعبه ندارد و صرفاً از طریق ماهواره قابل دریافت است. برنامه‌های VOA از سال ۲۰۰۸ م کاهش یافته است. امروزه VOA از طریق اینترنت

1- Radio Free Europe/Radio Liberty (RFE/RL)

2- Voice Of America (VOA)

3- British Broadcasting (BBC)

4- Iron Curtain

5- Boris Nikolayevich Yeltsin

6- Holding

در صفحه‌ی اینترنتی و از طریق یک ایستگاه FM برنامه روسی برای داخل روسیه پخش می‌کند (Ibid, 96)؛

۴) گسترش زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی. غرب به‌خصوص آمریکا، از طریق آموزش زبان و در قالب توسعه دیپلماسی عمومی اهداف متنوعی را دنبال می‌کند. دو محور اجراشده در راستای تحقق این هدف عبارت‌اند از:

الف) اعزام سپاه صلح^۱. این سپاه به‌صورت داوطلبانه از بین دختران و پسران آمریکایی به‌منظور آموزش زبان انگلیسی و مساعدت در امور بهداشتی و پزشکی و تغذیه نوزادان و بانوان به کشورهای منطقه اعزام می‌شود.

ب) بنیاد سوروس^۲. در میان مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، بنیاد سوروس که یک مرکز غیردولتی است، فعالیت منسجم و گسترده‌ای در بسیاری از کشورهای جهان از جمله آسیای مرکزی و قفقاز دارد. این بنیاد باهدف نفوذ در میان دولت‌مردان، از طریق مجامع و سازمان‌های غیردولتی ایجاد ارتباط می‌کند. بیشترین حجم فعالیت بنیاد در کشور ارمنستان و در قالب طرح‌های تحقیقاتی، آموزشی، فرهنگی، بهداشت عمومی، چاپ و نشر و اینترنت صورت می‌گیرد (Володина, 2008, 25)؛

۵) جریان نفوذ و اثرگذاری فرهنگی. در این باره باید به وسایل ارتباط جمعی دیداری که مستقیماً بر انسان تأثیرگذار است، اشاره کرد. در این حوزه نباید از اهمیت رسانه‌ی «سینما» غافل شد. امروزه وظیفه مهم سینمای هالیوود^۳ نشان دادن چهره‌ی برتر ایالات متحده آمریکا، فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی است. سینما تصاویر انگیزشی را منتشر می‌کند ولی تلویزیون اطلاعات حقیقی و پردازش‌شده از دنیای واقعی را تلقین می‌کند. در فیلم‌های هالیوودی تلاش می‌شود تا با تصویرسازی هنری در جهت گسترش

1- Ppeace Corps

2- Soros Foundation (Open Society Institute (OSI))

3- Hollywood

دامنه‌ی قدرت نرم ایالات متحده حرکت صورت گیرد و آمریکا نمونه‌ی آزادی و دموکراسی معرفی می‌شود (Ibid, 28)؛

۶) بازنمایی رسانه‌ای. با استفاده از رسانه‌ها می‌توان حوادث را آن طوری که مورد نظر است، حکایت کرد. به همین دلیل تسلط بر رسانه‌های نوشتاری موضوع مهم و قابل‌بحثی است که آمریکا از آن نیز غفلت نکرده است. در این راستا هلدینگ‌های غربی در خصوص تسلط بر روزنامه و مجله‌ی روسی به واسطه‌ی تأمین مالی غیرمستقیم بسیار مهم رفتار کردند. به‌عنوان مثال آژانس‌های خبری رویترز و بلومبرگ^۱ در مسکو شعبه و حضوری فعال دارند. سیاست غرب تأمین مالی و حمایت از رسانه‌ها در جهت سیاست‌های خویش است؛

۷) فعالیت شرکت‌های فراملیتی آمریکایی. حضور شرکت‌های فراملی غربی در انتقال فرهنگ غربی بسیار تأثیرگذار است. انتقال‌دهندگان فرهنگی می‌توانند تبلیغات خارجی، شبکه‌های تلویزیونی خارجی، رستوران‌های سنتی با آشپزخانه‌های ملی، برنامه‌های آموزنده خارجی، حتی بازی‌های کامپیوتری خارجی باشند. به‌عنوان مثال می‌توان به تأثیر حضور سازمان‌های فرهنگی آمریکایی هم چون رستوران‌های زنجیره‌ای «مک دونالدز^۲» اشاره کرد. تأثیر حضور رستوران‌های آمریکایی تنها در بعد فرهنگی نیست بلکه تأثیر حضور آن‌ها در بخش اقتصاد روسیه نیز حضور قابل‌توجهی است (Моль, 2008: 416)؛

۸) فعالیت بنگاه‌های اقتصادی خارجی در مدیریت رسانه‌های روسی. روسیه پس از فروپاشی شوروی با شعار ورود به اقتصاد آزاد به‌عنوان کشوری با پتانسیل‌های اقتصادی فوق‌العاده، بسیار سریع وارد پیچ‌وخم اقتصاد سرمایه‌داری شد و از آن جا که در اقتصاد آزاد تبلیغات نقش مهمی در بازاریابی ایفا می‌کند، معنا و مفهوم رسانه در این کشور نیز از ابزاری برای تبلیغات سیاسی به وسیله‌ای برای بازاریابی محصولات تجاری تبدیل شد.

1- Bloomberg

2- McDonald's Corporation

بدین ترتیب اولاً راه برای ورود شرکت‌های خارجی به رسانه‌های روسیه باز شد؛ ثانیاً، رسانه‌ها نسبت به گذشته از رشد کمی و کیفی قابل توجهی برخوردار شدند. تعداد رسانه‌های جمعی روسیه اعم از سایت اینترنتی، خبرگزاری، شبکه رادیویی و تلویزیونی و نشریات پس از فروپاشی در مدتی کمتر یک دهه، افزایش چشم‌گیری یافت. دلیل این امر توجه به توسعه اقتصادی به سبک غربی است. در واقع نگاه به غرب که در آغاز در بعد اقتصادی و در دوران بوریس یتسین، رئیس‌جمهور اسبق روسیه شروع شد، دامنه‌ی آن به‌طور طبیعی به رسانه‌ها به‌عنوان ابزار بخش اقتصادی کشیده شد؛

۹) فعالیت‌های آموزشی:

الف) همکاری‌های علمی - آموزشی و دانشگاهی. این همکاری‌ها راه‌اندازی و تأسیس دانشگاه‌های مشترک از قبیل دانشگاه قرقیز - آمریکا در بیشکک، دانشگاه قزاق - آمریکا در آلماتی، تجهیز کتابخانه‌های مهم این کشورها به وسایل کمک‌آموزشی، مانند دانشگاه آبیلائی خان در قزاقستان و همکاری الکترونیکی کتابخانه‌ای با کتابخانه ملی جمهوری قزاقستان جهت تبادل و انتقال سریع کتاب را شامل می‌شود.

ب) جذب و گزینش دانش‌آموزان تیزهوش و مستعد سال پایانی دبیرستان. این برنامه باهدف جذب بهترین دانش‌آموزان و اعزام آن‌ها برای تحصیل در مدارس آمریکا و زندگی با خانواده‌های آمریکایی در کوتاه‌مدت (یک سال) انجام می‌شود. در دانشگاه‌ها نیز از سوی شورای مبادلات و پژوهش‌های بین‌المللی موسوم به "IREX" از طریق کنکور بهترین‌ها را برای تحصیل در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا برمی‌گزینند. این برنامه‌ها با عنوان «تبادل رهبران آینده» به اجرا درمی‌آید و از سوی بخش ارتباطات آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه کشورهای منطقه حمایت مالی می‌شود. تنها در ترکمنستان از سال ۱۹۹۳ م تاکنون بیش از ۷۰۰ تن از اتباع این کشور در آمریکا تحصیل کرده‌اند. در قرقیزستان نیز دانشگاه مشترک آمریکا - قرقیز به تربیت دانشجو در رشته‌های موردنیاز

مشغول است. نخبگان ضمن جذب، مروج فرهنگ آمریکائی در کشورهایشان خواهند شد. امروزه آمریکا در این بخش بیش از بقیه کشورها موفق عمل کرده است (: Панова, 2011, 158). بدین ترتیب می‌توان از نگرانی روسیه در مواجهه با خطرات نفوذ غرب در درون و منطقه پیرامونی‌اش پی برد و پذیرفت از نگاه روسیه، آمریکا در رقابت دیپلماسی عمومی بزرگ‌ترین خطر برای امنیت ملی روسیه محسوب می‌شود (Абрамова, 2011, 96).

۲-۲- ابزارهای روسیه در جهت مقابله با قدرت نرم آمریکا

بسترهای مورد استفاده فدراسیون روسیه در حوزه‌ی دیپلماسی عمومی موارد جذب دانشجو، مبادلات علمی، جذب نیروی کار از اتباع کشورهای پیرامونی و سپس کشورهای که در دوران حیات بلوک شرق روابط نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشته‌اند را شامل می‌شود. این موضوع در مرحله‌ی اول شامل گروه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، سپس کشورهای عربی خاورمیانه و نهایتاً کشورهایمانند افغانستان، ویتنام، کره شمالی و چین می‌شود.

پس از فروپاشی شوروی، فدراسیون روسیه از دو منظر با قدرت نرم غرب باید مقابله می‌کرد:

۱- مقابله با اعمال نفوذ ایالات متحده درون روسیه و منطقه‌ی خارج نزدیک؛

۲- تلاش برای حفظ و توسعه نفوذ سنتی خود در منطقه بالا؛

روسیه تجربه‌ای حدود صدسال فعالیت مشترک و تنگاتنگ آموزشی با جمهوری‌های پیرامونی خود دارد، منابع آموزشی آن‌ها را تدوین، مراکز آموزشی این کشورها را مدیریت کرده و زبان روسی‌زبان مشترک آموزش علوم بین همه آن‌ها بوده است. در دوره پساشوروی نیز تلاش داشته است تا با ابزارهای مختلف مانند اعطای رتبه‌های تحصیلی، اجازه کار و تسهیلات مشابه، ارتباط با نخبگان کشورهای که روزی در

درون یک مرز و در یک جغرافیای سیاسی می‌زیستند را حفظ کند. طبق اطلاعات تائید نشده (آمار سال ۲۰۰۹ م) دانشجویان کشورهای حوزه‌ی شوروی سابق (عمدتاً کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز) که از راتبه‌ی تحصیلی در روسیه استفاده کرده‌اند، حدوداً ۶۶۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. این رقم در حال حاضر به حدود ۵۰۰۰ نفر رسیده است. تعدادی نیز خارج از راتبه‌ی تحصیلی با هزینه شخصی وارد روسیه می‌شوند. حدود تقریبی دانشجویان شاغل به تحصیل از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در روسیه ۱۰ الی ۱۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود. روسیه با اعطای راتبه سعی بر ادامه و توسعه روابط در سطوح اجتماعی با این کشورها دارد اما واقعیت این است که به جهت محدودیت‌های فزاینده اعمال شده از سوی دستگاه‌های اداری و دولتی و نیز به واسطه اقدامات گروه‌های افراطی ناسیونالیست (هرسال تعدادی از مهاجرین توسط گروه‌های افراطی کشته یا به شدت صدمه می‌بینند) تلاش‌های روسیه چندان مقرون به هدف نیست و حتی موجب خشم، انزجار و تنفر اتباع کشورهای مشترک‌المنافع از روسیه می‌شود (IOPra, 2011, 187).

۱) دیپلماسی عمومی روسیه در حوزه‌ی فرهنگ و آموزش (زبان روسی)

زبان روسی، زبان مادری حدود ۱۴۵ میلیون نفر است و ۱۱۰ میلیون نفر نیز آن را به‌عنوان زبان دوم می‌دانند. با این حساب این زبان هشتمین زبان پر متکلم جهان است (دولت روسیه معتقد است زبان روسی پنجمین زبان دنیاست). این زبان علاوه بر کشور روسیه، یکی از زبان‌های رسمی کشورهای بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و جمهوری خودمختار کریمه است. به‌علاوه یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد نیز هست. مجموع این خصوصیات زبان روسی را به پر گوینده‌ترین زبان اروپا تبدیل کرده است.

برای کشورهایی هم چون بلاروس، اوکراین و قزاقستان، پیوندهای فرهنگی با روسیه به دلیل روابط شخصی و خانوادگی نزدیک در سرتاسر مرزهای این کشورها با

روسیه و استفاده گسترده از زبان روسی، هم‌چنان عوامل مهمی در روابط دوجانبه هستند. فدراسیون روسیه این امکان را مغتنم دانسته است و گسترش زبان روسی را به‌مثابه ابزاری جهت پیش برد اهداف دیپلماسی عمومی خود تلقی می‌کند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در سخنانی ضمن اشاره به اهمیت زبان روسی گفته است «اعتقاد دارم که ما بایستی فعالانه از «آژانس فدرال کشورهای CIS، هم‌وطنان ساکن خارج از کشور و همکاری بین‌المللی انسان دوستانه^۱» حمایت کنیم تا آژانس مذکور به همراه وزارت آموزش و علوم روسیه، برنامه «زبان روسی» را برای سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۱ اجرا کند. البته هم‌اکنون طبق دستور رئیس‌جمهور، پیش‌نویس «اصل دولتی حمایت روسیه از زبان روسی در خارج از کشور» تدوین شده است» (Lavrov, 2012).

آژانس یادشده در جهت اشاعه‌ی فرهنگ و زبان روسی اقدام به برگزاری «روز پوشکین^۲» در بسیاری از کشورهای جهان کرده است. هم‌چنین مراسم «سال فرهنگی» با کشورهای خارجی را برگزار کرده است (Ibid). علاوه بر این اقدامات، مفهوم «جهان روسی^۳» امری است که سیاست‌گذاران روس سعی دارند با استفاده از آن، نفوذ خود را در کشورهای همسایه تقویت کنند. در این راه از ارزش‌ها و سنت‌های روسی و امکاناتی هم چون رسانه‌های روسی در این کشورها بهره می‌گیرند. این اصطلاح به‌طور کلی نه‌تنها شامل مردمان روس در کشورهای دیگر، بلکه شامل یک برداشت ایدئولوژیکی از فرهنگ روسی و مأموریت آن در جهان نیز می‌شود. در این میان، زبان روسی یکی از عناصر اساسی این سیاست است. به باور طرفداران این مسأله، آن‌هایی که در زندگی روزمره‌ی خود به زبان روسی صحبت می‌کنند، روسی نیز فکر و در نتیجه روسی نیز عمل می‌کنند. اشاعه‌ی زبان

1- The Federal Agency for the Commonwealth of Independent States, Compatriots Living Abroad and International Humanitarian Cooperation

2- Pushkin's Day

3- Russian World

روسی، از سویی اجازه ترویج فرهنگ روسی را می‌دهد و از جانب دیگر می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای حمایت از روس تباران در کشورهای دیگر مورداستفاده قرار گیرد.

روسیه در جهت اهداف آموزشی خود در سال ۲۰۰۵. م دانشگاه دولتی زبان‌شناسی مسکو را تأسیس کرد که هدف آن آموزش دانشجویان با رویکرد ملی و به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان در فرصت‌های شغلی در مناصب دولتی و غیردولتی و اعزام به مأموریت‌های خارج از کشور اختصاص‌یافته است. در واقع نگاه این دانشگاه به بعد تربیت نیروی مناسب برای اجرای اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی است. به‌بیان‌دیگر این دانشگاه مسئول تربیت نیروی کارآمد و مسلط به زبان است. پذیرش دانشجویان خارجی به‌منظور تأثیر بر نسل آینده کشورهای هدف و در راستای تحکیم و گسترش «قدرت نرم» است. ارائه خدمات آموزش عالی، اعطای راتبه‌ی تحصیلی و ارائه خدمات کمک‌آموزشی به اتباع کشورهای موردبحث از جمله این برنامه‌هاست.

۲) دیپلماسی عمومی روسیه در حوزه‌ی مذهب

رابطه‌ی نزدیک میان کلیسا و دولت، تاریخی طولانی در روسیه دارد. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، «کلیسای ارتدکس روسیه»^۱ در بسیاری از زمینه‌ها با وضعیتی کاملاً تازه روبرو شد. پس از دوره‌ای از سرکوب یا تساهل در مرزهای کاملاً بسته، این نهاد مذهبی در روسیه قادر است با آزادی عمل نسبتاً بالایی به فعالیت پردازد. امروزه کلیسای ارتدکس، خود را به‌عنوان نماینده منافع مردم می‌داند که لزوماً به معنای مخالفت با دولت نیست. دولت نیز به‌نوبه خود کلیسا را تضمین‌کننده‌ی انسجام مذهبی و ملی می‌داند و اکثریت مردم نیز به آن اعتماد دارند و آن را قادر به انتقال ارزش‌های روسی به کشورهای دیگر و تقویت

یکپارچگی در این کشور می‌دانند؛ بنابراین هر دو نهاد دولت و کلیسا سعی دارند همکاری نزدیکی با یک دیگر داشته باشند.

این مذهب، اکنون نیز یکی از بازی‌گران کلیدی در عرصه‌های داخلی و خارجی سیاست روسیه است و با توجه به پیروان گسترده این مذهب در کشورهای هم‌جوار روسیه و نیز مناطق دوردست، احیای آن می‌تواند کمک بزرگی به پیش برد منافع روسیه در خارج نزدیک کند. در عین حال امروزه یک‌چهارم جمعیت روسیه را پیروان مذهب ارتدکس تشکیل می‌دهند و روس‌ها به این که خود را مدافعان واقعی این دین بنامند، افتخار می‌کنند.

پوتین در سال ۲۰۰۷. م، طی سخنانی عنوان داشت که امنیت داخلی و خارجی کشورش به دو عامل بستگی دارد: نخست مذاهب سنتی و دیگری نیروهای هسته‌ای. کارشناسان نیز بر این عقیده‌اند که ملی‌گرایی مبتنی بر ایمان ارتدکس، منبع ایدئولوژیکی پوتین برای اتحاد در روسیه است و روسیه قصد دارد با یک‌پارچه سازی «کلیسای ارتدکس روسیه»، نفوذ سیاسی خود را در جهان بسط دهد. در همین راستا در ماه مه ۲۰۰۷، با حمایت دولت، شاخه‌ای از کلیسای ارتدکس روسیه - که پس از انقلاب بلشویکی در این کشور به خارج فرار کرده و تشکیلات خود را در نیویورک فعال کرده بود - طی مراسمی در مسکو و با حضور ولادیمیر پوتین، با بدنه اصلی این کلیسا در روسیه اعلام اتحاد کرد. در این مراسم پوتین، روسیه را «پاسدار مسیحیت» عنوان کرد. در همین زمینه کلیسای ارتدکس روسیه، روابط گسترده‌ای میان کلیساهای ارتدکس یونان، قبرس، اوکراین، بلاروس، گرجستان، ارمنستان، مولداوی و شماری از کشورهای بالکان برقرار کرده است. در این میان روابط مذهبی میان اوکراین و روسیه از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا کیف مهد دولت روس است و خاستگاه کلیسای ارتدکس روسیه نیز محسوب می‌شود.

فعالیت دیپلماسی عمومی روسیه هرچند بر مسیحیت ارتدکس به‌عنوان یک دین بومی شده تأکید دارد اما از سایر ادیان به‌خصوص اسلام که دومین دین بزرگ در روسیه

محسوب می‌شود (هانتز و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۰۳)، غافل نشده‌اند. روسیه به‌منظور نمایش وجود آزادی مذهبی در این کشور، مقدمات فعالیت نهادهای اسلامی فراوانی را نیز فراهم کرده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۹ م «دانشگاه اسلامی مسکو»^۱ به‌عنوان نخستین دانشگاه اسلامی روسیه راه‌اندازی گردید و به‌عنوان یک موسسه خصوصی در مقاطع تحصیلات تکمیلی فعالیت می‌کند. این دانشگاه بر مبنای کالج اسلامی مسکو که از سال ۱۹۹۴ م فعال بود، شکل گرفته و گسترش یافته است. هدف این دانشگاه تربیت مبلغان و روحانیون دینی در زمینه علوم اسلامی است (Iranembassy.ru: 2013).

۳) تأسیس مراکز دولتی جهت هماهنگی و حمایت از فعالیت‌های دیپلماسی عمومی
الف) آژانس فدرال کشورهای CIS، هم‌وطنان مقیم خارج و همکاری بین‌المللی انسان دوستانه.^۲ آقای «مدودف»، نخست‌وزیر کنونی و رئیس‌جمهور قبلی روسیه در ترسیم وظایف آژانس فدرال، کارکرد این موسسه را کلیدی و هدف بسیار مهمی برای سیاست خارجی روسیه در شرایط شکل‌گیری جهان چندقطبی دانسته و کارکردهای مهم ذیل را برای آن بیان کرده است:

- رسیدگی به امور روس‌تباران مقیم خارج از کشور؛
- ایجاد حداکثر شرایط مساعد خارجی برای توسعه‌ی تعاملات کشور با استفاده از پتانسیل اتباع روس در خارج به‌خصوص روس‌تباران ساکن کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق؛

- اجرای سیاست خارجی روسیه به‌عنوان هدف کاربردی؛
- تهیه و اجرای برنامه‌های نوآورانه‌ای که در چارچوب برنامه بین‌الدولی قابل اجرا

باشد؛

1 - Московский исламский университет: <http://www.miu.su/>

2- The Federal Agency for the Commonwealth of Independent States, Compatriots Living Abroad and International Humanitarian Cooperation

- مدیریت در اعطا و مصرف کمک‌های بلاعوض و تسهیلاتی که طبق استانداردهای بین‌المللی در اختیار کشورهای مختلف قرار می‌گیرد، علی‌الخصوص کمک‌هایی که به روس تباران اختصاص دارد؛

- نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی که در مسیر جذب دانشجویان خارجی برای آموزش در مؤسسات آموزش عالی روسیه انجام می‌دهند؛

- افزایش صددرصدی راتبه‌های تحصیلی که ترجیحاً در اختیار روس تباران، داوطلبین کشورهای هم‌سود، به‌ویژه کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع (CIS) گذاشته می‌شود.

- تشریک‌مسابی میان آژانس و وزارت علوم روسیه جهت برنامه‌ریزی به‌منظور گسترش زبان روسی؛

- تلاش برای گسترش فرهنگ روسی مانند ابتکار برگزاری مراسم «روز پوشکین» در بسیاری از کشورهای جهان یا برگزاری مراسم «سال فرهنگی» با کشورهای خارجی؛
به نظر می‌رسد این آژانس با توجه به اختیارات و صلاحیت خود، کانال منحصربه‌فردی جهت گسترش قدرت نرم روسیه محسوب می‌شود و بتواند در گام نخست با استفاده از پتانسیل‌هایی که طی ۸۵ سال زندگی مشترک با جوامع کشورهای هدف در حوزه‌ی اتحاد شوروی سابق به وجود آمده است و این فضا هم‌چنان وجود دارد، گام‌های بلندی در جهت تقویت مبانی قدرت نرم روسیه بردارد (گراموتا، 2012, 96).

ب) مرکز مطالعات اجتماعی سیاسی روسیه^۱. این مرکز در سال ۱۹۹۵ م در یک تغییر ساختاری تبدیل به مرکز اطلاع‌رسانی، مشاوره‌ای، آموزشی و سیاست‌گذاری شد. یکی از اقدامات کنونی این مرکز همکاری و تشریک‌مسابی با سایر مؤسسات غیردولتی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی است. هم‌چنین مرکز پیش‌گفته مسئول تدوین و توسعه

برنامه‌های دولت، ارتقاء تعاملات بین‌المللی مسکو خصوصاً با جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق است.

ج) **موسسه‌ی اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل**^۱. این موسسه باهدف مطالعه روندهای اصلی در سیاست و اقتصاد جهان معاصر، بر اساس تحلیلی قوی برای تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران در مسیر توسعه عمل می‌کند. این موسسه به همکاری با مقامات فدرال و منطقه‌ای در روسیه می‌پردازد و همچنین با رسانه‌های روسی، شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی و مراکز تحقیقاتی روسیه و دیگر کشورها در ارتباط است.

د) **بخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی**. بخش برنامه‌های شبکه سراسری روسیه در مناطقی که در زمان شوروی سابق دایر بود هم چنان دایر است. با توجه به این‌که هنوز بخش اعظمی از اقشار مردم (حوزه‌های آسیای مرکزی، قفقاز، کشورهای بلاروس، اوکراین و جمهوری‌های بالتیک) امکان تکلم به زبان روسی را دارا هستند، این کانال تلویزیونی و سایر کانال‌های روسی‌زبان می‌توانند در مسیر اهداف دیپلماسی عمومی و قدرت نرم روسیه فعالیت کنند. ضمن این‌که روسیه نیز در بخش رسانه بین‌المللی (شبکه‌های ماهواره‌ای) شبکه‌هایی از قبیل شبکه تلویزیونی روسی «روسیه ۲۴»^۲، شبکه عرب‌زبان روسیه «روسیه الیوم»^۳، شبکه انگلیسی‌زبان «R.TV.»^۴، «روسیه امروز» و شبکه‌های مجزایی به زبان اسپانیایی را راه‌اندازی کرده است. از طرفی، روسیه در مابازای صدای آمریکا، «صدای روسیه» که یک شرکت دولتی است را از ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ دایر کرده است و هم چنان فعالیت دارد (گراموتا. 2012, 96).

1- Institute of World Economy And International Relations(IMEMO)

2- Russia 24 (P. TB.)

4- Russia Today (R.T.)

نتیجه‌گیری

در دوران پسا شوروی، روس‌ها بیشتر همت خود را مصروف بازسازی کشور و حفظ حیات خلوت خود که تحت عنوان «خارج نزدیک» از آن یاد می‌شود، کرده‌اند. ایالات متحده برای به حاشیه راندن رقیب دیرینه‌ی خود به ابزارهای مختلفی متوسل شده و توانسته است مشکلاتی برای دولت روسیه پدید آورد. در مقابل نیز روسیه، تلاش کرده تا ضمن مقابله با تهاجمات نرم رقیب دیرینه، نفوذ خود را در مناطقی که سابقاً تحت سلطه داشته است، حفظ و تحکیم کند. روس‌ها به درستی دریافته‌اند که امکان رقابت نظامی، اقتصادی و حتی سیاسی با ایالات متحده را ندارند. از این رو در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا رقابت دیرینه‌ی خود در دوران جنگ سرد را به عرصه‌ی رقابت‌های نرم هدایت و از این مسیر منافع خود را جستجو کنند.

جلوگیری از واگرایی بیشتر کشورهای هم‌سود، مقابله با نفوذ غرب و ناتو در حوزه‌ی پیرامونی، حفظ منطقه‌ی امنیتی، حفظ و گسترش فرهنگ و زبان روسی در جوامع کشورهای حوزه‌ی شوروی سابق، جزو مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی روسیه در دوره پسا شوروی بوده است. به نظر می‌رسد روسیه به واسطه‌ی ورود به رقابت با غرب به‌نوعی رقابت در عرصه‌ی دیپلماسی عمومی وارد شده و در این راستا ساختارهایی مشابه با آن چه غرب در مبارزه خود با روسیه در اختیار دارد، فراهم کرده است. روس‌ها تمرکز بر زبان، ادبیات، مذهب و رسانه را در جهت گسترش دامنه‌ی قدرت نرم و نیز مقابله با تهاجمات نرم رقیب دیرینه‌ی خود، در دستور کار قرار داده‌اند اما تناقض در مفهوم «قدرت نرم» در روسیه در قیاس با آمریکا را از منظری متفاوت می‌توان مورد تأکید قرارداد. در این کشور اساساً «قدرت نرم» درست فهم نشده است و طرح‌های کرملین در این زمینه عقیم خواهد بود. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در این ارتباط قابل اشاره است این است که اهرم‌های اجرایی قدرت نرم سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های غیردولتی (با حمایت دولت) هستند

حال آن‌که در روسیه وظایف اجرایی در این زمینه به نهادهای دولتی (که بعضاً در پوشش نهادهای غیردولتی فعال‌اند) سپرده شده است. در حقیقت، به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر، روسیه توفیق چندان زیادی در حوزه دیپلماسی عمومی نداشته است. یکی از موانع مهم در پیش برد «دیپلماسی عمومی» و قدرت نرم روسیه، ذهنیت هم‌چنان «سخت‌انگار» دولت‌مردان کرملین است اما از دیگر سو آمریکا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازی‌گران سیاسی عرصه‌ی نظام بین‌الملل همواره از ابزارهای گوناگون برای انتقال پیام خود به مردم و سایر دولت‌ها استفاده کرده است. امروزه با توجه به قدرت رسانه‌ها در انتقال پیام و تأثیرگذاری آن‌ها بر مخاطبان، واشنگتن تمرکز خود را بر استفاده از رسانه‌ها در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، رادیو و ابزارهای متنوع دیگر قرار داده و توانسته است در رقابت با روس‌ها در عرصه‌ی قدرت نرم، پیشی گیرد چراکه ادبیات قدرت هوشمند (ترکیب قدرت نرم و سخت) در سیاست خارجی آمریکا به معنای دستیابی به منفعت عمومی و تثبیت هژمونی فرهنگی و سیاسی آمریکا در شرایطی است که تمام ابزارهای ممکن در اختیار کشور نیست، بنابراین با توسل به رابطه‌ی هوشمندانه با متحدین جهانی و سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به اهداف موردنظر دست پیدا کرد. در زمینه‌ی قدرت هوشمند، برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف در قدرت سخت و نرم است که موجب تقویت و هماهنگی تمام قوا برای تداوم و بهبود هژمونی آمریکا در جهان است. این سیاست بر خودکفایی، بهبود وضع حقوق بشر، تجارت آزاد دولت‌ها، تساوی در برابر قانون، توسعه‌ی همه‌گیر اقتصادی و... تأکید دارد.

روی آوردن قدرتی هم‌چون روسیه به عرصه‌ی رقابت در عرصه‌ی دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با آمریکا، مؤید این مطلب است که این ابزار از چه کارایی در عرصه‌ی دستیابی به منافع ملی در عصر پسا جنگ سرد و در عصر گسترش ارتباطات و جهانی شدن برخوردار است و به‌رغم انتقادات و چالش‌های موجود در حوزه‌ی «دیپلماسی

عمومی» روسیه، با برگزاری نشست‌های مختلف از سوی برخی نهادهای دولتی و غیردولتی این کشور که مورد حمایت مالی و سیاسی دولت هستند، نشان می‌دهد که این کشور نسبت به قبل به این موضوع اهتمام بیشتری دارد و آن را ابزاری مهم برای تقویت وجهه‌ی بین‌المللی و مقابله با جنگ نرم و پروژه «روسیه هراسی» غرب می‌داند که پس از بحران اوکراین با شدت بیشتری تبلیغ و پیگیری می‌شود. بر این اساس در مورد جمهوری اسلامی ایران، باید اذعان داشت که منابع قدرت نرم فراوان و قابل بهره‌برداری است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان ارزش‌های دینی و مذهبی، مردم و انسجام اجتماعی، رهبری متعدد در سطوح منطقه‌ای، جمعیت جوان و نخبه، دیپلماسی فعال و قدرت سیاسی در منطقه و همراهی مردم با حکومت اسلامی را محور قرارداد. به باور نویسنده، شناسایی قدرت نرم دشمن و منابع و کارکردها و رویکردهای آن و مقابله با پروژه‌های ایران هراسی، مستلزم شناسایی قدرت نرم ایران، ظرفیت‌ها، امکانات و منابع آن و دستیابی به مفهوم بومی قدرت نرم، هم‌چنین راهکارهای رسیدن به قدرت نرم و راهکارهای مقابله با قدرت نرم دشمن است که باید به‌عنوان اولویت‌های فرهنگی کشور به شمار آیند و نسبت به آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام عملی صورت گیرد.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی. ۱۳۸۸. «دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن»، فصلنامه رسانه، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۲-۵.
- باقری، سیامک (۱۳۸۷). «بسیج و مدیریت قدرت نرم؛ رویکردی سیستمیک در قدرت، فرهنگ و امنیت»، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- پور سعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مفهوم شناسی گفتمان نرم و محیط راهبردی متأثر از آن»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸.
- رفیع، حسین و قربی، سید محمدجواد (۱۳۸۹). «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۹.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). «امنیت ملی و نظام بین‌الملل»، تهران: سمت.
- طلوعی، محمود. (۱۳۸۵). «فرهنگ جامع علوم سیاسی»، تهران: نشر علم.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). «رهبری و قدرت هوشمند»، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران، انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- نصری، قدیر، «قدرت آمریکا در قرن بیست و یکم»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۶ و ۲۵.
- Абрамова В. А. (2011). *Культура и политика*, политика, экономика, право.
- Базен А. (1972). "Что такое кино?."
- Барт Р. (1989). *Избранные работы*, семиотика; поэтика / пер. с фр.; сост., общ. ред. и вступ. ст. Г. К. Косикова. М. Прогресс.
- Володина М. Н. (2008). *Язык СМИ - основное средство воздействия на массовое сознание, Язык средств массовой информации*, под ред. М. Н. Володиной. М..
- Газета Грамота (2012). "Культурное влияние как компонент «Мягкой силы»" (дата обращения: 2013/10/7).
- <http://www.gramota.net/materials/3/2012/11-2/22.html>
- Официальный сайт министерство иностранных дел российской федерации (дата обращения: 2013/9/3).

- Моль А.(2008). *Социодинамика культуры пер.* с фр.; предисл. Б. В. Бирюкова. Изд-е 3-е. М.Издательство ЛКИ.
- Российская газета (2012). *Федеральный выпуск.* О мерах по реализации внешнеполитического курса Российской Федерации: Указ Президента РФ № 605.
- Golos-ameriki (дата обращения: 2013/8/5).
- Официальный сайт радиокompании «Голос России»(дата обращения: 2013/11/8).
- Официальный сайт Россотрудничества [*Электронный ресурс*], (дата обращения: 2013/6/15).
- <http://rs.gov.ru/node/28132> (дата обращения: 2012).
- Официальный сайт Фонда поддержки публичной дипломатии имени А. М. Горчакова [*Электронный ресурс*], (дата обращения:2013/8/12).
- <http://gorchakovfund.ru> (дата обращения: 2013/8/22).
- Панова Е. П. (2011). "Высшее образование как потенциал «мягкой власти» государства", Вестник МГИМО-Университета. № 2 (15). С. 157-161.
- Панова Е. П. (2012) "Мягкая власть, как способ воздействия в мировой политике", автореф. дисс. ... канд. полит. наук. М., 23 с.
- Паршин П. (2013). МИГИМО – Университет «Проблематика мягкой силы во внешней политике России».
- Филимонов Г. Ю (2007). *"Неофициальная внешняя культурная политика как компонент «мягкой силы» США // США-Канада"*, экономика, политика, культура, № 4. С. 69-82.
- Тарханов М. М. (2013). „Свободный Мир. Владимир Путин и «мягкая сила».
- Хачатуров К. А.(2002). Роль международной информации в формировании репутации государства // *Информация. Дипломатия. Психология: сб. / под ред. Ю. Б. Кашлева.* М. Известия, С. 89-119.
- Шмагин Е. А.(2002). Культура и дипломатия // *Международная жизнь*, № 3. С. 61-73.
- Эйзенштейн С. М.(.). *Избранные произведения: в 6-ти т. М. Искусство, 1964-1971. Т. 3. Теоретические исследования 1945-1948 гг.* 672 с.
- Юрга В. А.(2011). Структура и механизмы финансирования системы высшего профессионального образования как условие инновационного развития высшей школы: *российский и зарубежный опыт // Высшая школа и инновации*, № 3. С. 183-188.
- Юридический словарь. М.(2000). 640 с.